

خاطرات

صد محبوبی

«افسر بازنشسته یروی هوا سیرارش»

به اهتمام: رستم علیخانسر



انتشارات کتابچه



سرشناسه	: محبوبی، صمد، ۱۳۳۲-
عنوان و نام پدیدآور	: خاطرات صمد محبوبی/ گردآورنده رستم علیخانی.
مشخصات نشر	: سندج: کتابچه، ۱۴۰۳.
مشخصات ظاهری	: ب، ۱۲۸ ص:؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.
شابک	: 978-622-340-173-2
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: محبوبی، صمد، ۱۳۳۲ -- خاطرات
موضوع	: ایران، ارتش، نیروی هوایی -- کارمندان و کارکنان -- خاطرات
موضوع	: Iran . Artesh . Niruye Hava-i -- Officials and employees -- Diaries
شناسه افروده	: علیخانی، رستم، ۱۳۵۶ -، گردآورنده
رده بندی کنگر	: DSR۱۶۰۶
رده بندی دیویی	: ۹۵۵/۰۸۴۳۰۹۲۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۹۷۲۹۷۶۰
اطلاعات رکورد کتابشناسی	: فیبا



انتشارات کتابچه

کتاب: خاطرات صمد محبوبی

به اهتمام: رستم علیخانی

ناشر: انتشارات کتابچه

جلد: شاهو احمدیان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۳۴۰-۱۷۳-۲

نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۳

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: تومان:

سندج، مجتمع تجاری کردستان، طبقه اول، واحد ۲۲۳

تلفن: ۰۸۷۳۳۲۲۹۹۶۸

www.ketabchehpub.ir

فهرست

مقدمه الف

فصل اول

- ۱ پیشینه‌ی دودمانی
- ۱ سخنی با خوانندگان
- ۲ پیشگفتار
- ۴ زادگاهم روستای تپه اسماعیل
- ۵ مالکیت تپه اسماعیل در دوران ناصرالدین شاه
- ۶ حَسَب و نَسَب من
- ۹ مناسبات با ایلات هم‌جوار
- ۹ وصلت‌های باباشیخ مراد
- ۱۱ مهاجرت از توبره ریز به محال سور
- ۱۲ مهاجرت از محال سورسور به کلیایی
- ۱۳ پیوستن به منصورالدوله کلیایی
- ۱۴ خاطره‌های تلخ
- ۱۵ رسم قربانی کردن
- ۱۶ کشته شدن عمو حقمرادیگ
- ۱۸ کشته شدن عمو یارمراد بیگ
- ۲۰ کشتن قاتل برادر
- ۲۲ پسران باباحیدربیگ
- ۲۲ ماجرای مرگ گل‌مراد بیگ در گردنه کشکمیر
- ۲۳ خشم برادر

۲۴.....	سرنوشت اولادان باباشیخ مراد
۲۵.....	املاک گشکی‌های تپه اسماعیل
۲۷.....	اولادان ننه جهان و بابا شیخ مراد
۳۲.....	مالیات‌های مرسومه

فصل دوم

۳۵.....	ولادتم
۳۵.....	ورود به مکتب خانه
۳۷.....	تحصیل در مدرسه
۳۹.....	خاطراتی از ایام کودکی
۴۱.....	شبهای یلدا(شب چله)
۴۳.....	مسلمان شدن راننده‌ی ارمنی
۴۴.....	ماجرای خریدن رادیو
۴۷.....	اولین باری که تلفن کردم
۴۸.....	یادی از بستگانم در چابرااله
۴۸.....	در دو راهی ادامه تحصیل
۴۹.....	مهاجرت به تهران
۵۰.....	اجاره‌ی منزل
۵۱.....	کار پاره وقت من
۵۲.....	ثبت نام در دبیرستان بزرگسالان
۵۴.....	تحصیل در شهر سنقر
۵۵.....	سفر به آذربایجان
۵۵.....	مسافرت به تهران

استخدام شدن در نیروی هوایی.....	۵۶
آغاز دوره‌ی آموزش.....	۵۶
در دفتر تیمسار جهانبانی.....	۵۸
خدمت در پایگاه شاه‌رخی (نوژه).....	۵۹
یک حادثه تلخ در پایگاه بندر عباس.....	۵۹
پرواز مخاطره آمیز.....	۶۰
انتقال به پایگاه چابهار.....	۶۱
زیارت امام رضا (ع).....	۶۲
دستگیر شدن توسط واک.....	۶۲
شروع جنگ تحمیلی.....	۶۳
مأموریت به سوریه.....	۶۶
حادثه‌ی تلخ سقوط جت جنگی.....	۶۷
مأموریت به کردستان.....	۶۸
نجات معجزه آسای ما.....	۷۵
فرصت‌های سوخته در زندگی.....	۷۶
خرید اولین تلویزیون.....	۷۸
خرید اولین ماشین.....	۷۹
مرگ دوستم صفر کاظمی.....	۸۰
آمدن بیماری کرونا.....	۸۰
موضوع ریزگردها.....	۸۱
وضعیت سلامتی من.....	۸۲
مسافرت‌های من.....	۸۳

- فرزندان مرحوم پدرم فرخ خان محبوبی..... ۸۴
- وفات بستگانم..... ۸۷
- وفات برادرم..... ۹۰
- دختر یا پسر..... ۹۱
- یادی از فرزندانم..... ۹۲
- ذکر خیری از باجناقم و همسرش..... ۹۲
- تصاویر..... ۹۹

www.ketab.ir

مقدمه

سابقه‌ی خاطره‌نویسی به شیوه‌ی امروزی آن، به سده نوزدهم میلادی بازمی‌گردد. برخی، میرزا محمد صالح شیرازی از محصلین عهد عباس میرزا قاجار را از پیشروان خاطره‌نویسی نوین در ایران می‌دانند. خاطرات معمولاً به دو شیوه بیوگرافی و اتوبیوگرافی نوشته می‌شود. بیوگرافی روایتی که نویسنده از زندگی شخصی دیگر نوشته و اتوبیوگرافی روایتی است که یک نفر از زندگی خودش می‌نویسد.

اثر حاضر، از جنس اتوبیوگرافی است و راوی، افسری بازنشسته به نام صمد محبوبی، از خطه کردستان می‌باشد. ایشان از پرسنل نیروی هوایی ارتش بودند که نزدیک به سه دهه، صادقانه در نیروی هوایی ارتش ایران خدمت کرد و در مقاطع حساس و مهم و بزنگاه‌های تاریخ چند دهه‌ی گذشته‌ی این مرز و بوم، به سهم خویش از وجودش مایه گذاشت.

این اثر، حاوی نکات جالبی از زندگی و زندگی این افسر کُرد است که ایشان بخش ابتدایی خاطرات خود را به روایت‌ها و داستان‌هایی از پدر بزرگ و عموهایش که بیشتر آن را پدرش نقل کرده، اختصاص داده است و چکیده-ای مهم از پیشینه‌ی دودمانی اسلافش می‌باشد و به نوعی محرک و مشوق ایشان در نوشتن این اثر شده است.

بخش دوم کتاب، با پرداختن به زندگی شخصی سرهنگ محبوبی، ضمن ترسیم دورنمای دوران کودکی و نوجوانی در زادگاهش در منطقه-ی کلیایی از توابع شهرستان سنقر کرمانشاهان، به توصیف و تشریح

تجربیات و خاطرات زادگاهش پرداخته، جزئیات بیشتری را در اختیار خواننده می‌گذارد.

زندگی ایشان با ورود به آموزشکده‌ی نیروی هوایی، در مسیری تازه رقم می‌خورد. ایشان سعی دارد آنچه را در ذهن دارد، بر سطور دفترچه‌ی خاطراتش ثبت و ضبط نماید و تا جایی که حوادث و وقایع زندگی برایش ماندگار است، قلم فرسایی کند.

متن اصلی خاطرات به قلمی ساده که در آن مطالب اکثراً فاقد عنوان بندی و انسجام زبانی بود و به ظاهر ساختار یک اثر منسجم را در خود نداشت که لازم است متن عنوان بندی و چینش منظم حوادث و اتفاقات، انسجام در خور و وجه به خاطرات داده شود. اگر چه سعی بر آن بود که بر همان سبک و سیاق نویسنده، خدشه‌ای به متن اصلی وارد نشود، با این حال، در بعضی سطور، لازم شد متن کمی پخته‌تر بیان شود تا از حالت رخوت به درآید و متناسب با سلیقه‌ی خواننده گردد.

رستم علیخانی

کامیاران - روستای الک

شهریور ۱۴۰۳ ش. / سپتامبر ۲۰۲۴ م.